

تا اینجا ما درباره حق چندین عضو از اعضای انسان مطالبی را عرض کردیم؛ حق گوش، حق چشم، حق زبان، حق پا. یکی دیگر از اعضای که امام سجاد علیه السلام درباره حق آن سخن گفته، حق دست است.

توضیح اجمالی

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ يَدِكَ فَإِنَّ لَهَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ» و اما حق دست تو آن است که آن را به سوی حرام دراز نکنی. فَإِنَّ لَهَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ؛ چیزی که برای تو حلال نیست، دستت را به سوی آن دراز نکنی.

«فَتَنَالَ بِمَا تَبْسُطُهَا إِلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْأَجْلِ وَمِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ»؛ حق دست این است که تو آن را به سوی حرام دراز نکنی که اگر دستت را به سوی حرام دراز کنی، دو نتیجه و اثر دارد؛ یکی در دنیا و یکی در آخرت. اما اثر اخروی این است که خداوند متعال تو را عقاب خواهد کرد، دست درازی به حرام مستلزم عقوبت خداوند در آخرت است؛ فَنَتَّالَ بِمَا تَبْسُطُهَا إِلَيْهِ پس می‌رسد بر اثر دست درازی به انسان الْعُقُوبَةَ فِي الْأَجْلِ؛ اما آن اثر دنیوی ملامت و سرزنش مردم در این دنیا است، وَمِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ؛ در دنیا سرزنش مردمان نصیب تو خواهد شد.

«وَلَا تَقْبِضُهَا مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا» اول می‌گوید لَا تَبْسُطُهَا، بسطش نده، دستت را به سوی حرام دراز نکن؛ اینجا می‌فرماید: وَلَا تَقْبِضُهَا مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا؛ یعنی دستت را جمع کن، کوتاه کن، نسبت به آنچه که خدا بر تو واجب کرده. یک حق ایجابی و یک حق سلبی. دست دراز کردن در مقابلش جمع کردن دست است، یعنی اینکه دست خود را نسبت به آنچه که خدا واجب کرده کوتاه نکن. مال دیگران را نباید دست بزنی ولی خمس و زکات را باید بدهی، دست حمایت به ولی خدا باید بدهی. در این امور دستت را جمع نکن.

«وَلَكِنْ تَوَقَّرَهَا بِقَبْضِهَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا يَحِلُّ لَهَا وَبَسْطِهَا إِلَى كَثِيرٍ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا» امام سجاد یک حق ایجابی و یک حق سلبی که هر دو الزامی هستند را بیان می‌کنند. در ادامه دو توصیه دیگر هم دارند که باز آن هم به بسط و قبض ید مربوط می‌شود یعنی گانه توصیه می‌کنند نسبت به مستحبات، کارهای راجح، کارهایی که حسن غیر الزامی دارند دستت را باز کن اما نسبت به مکروهات و چیزهایی که مرجوح هستند دستت را جمع کن؛ وَ لَكِنْ تَوَقَّرَهَا؛ تا اینجا گانه بحث واجب و حرام بود، دستت به سوی حرام باز نشود؛ دستت از واجبات کوتاه نشود، اما فراتر از این هم این دست یک حقوقی دارد، وَقَّرَهَا؛ عزیز بدار آن را، آن را گرمی و بزرگ بدار با چه؟ بِقَبْضِهَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا يَحِلُّ لَهَا؛ خیلی از چیزهایی که برای تو حلال است دستت را از آن کوتاه کن، خیلی چیزها حلال و جایز است، اما نباید به هر چیز حلالی دست درازی کنیم، یک جا صحبت از گرمی داشتن این دست است و یک جا صحبت از حفظ این دست است. حق لازم، حق مستحب، گرمی بدار آن را با کوتاه کردن از بسیاری از چیزهایی که برای آن حلال است ولی انجامش به نوعی با بزرگداشت آن سازگار نیست. وَ بَسْطِهَا إِلَى كَثِيرٍ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا و نیز این دست را گرمی بدار با باز کردن و دراز کردن به بسیاری از چیزهایی که بر تو واجب نیست اما خوب است که انجام بدهد، مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا؛ لازم نیست مثل صدقه دادن و کمک کردن.

«فَإِذَا هِيَ قَدْ عَقَلَتْ وَ شُرِّفَتْ فِي الْعَاجِلِ وَجَبَ لَهَا حُسْنُ الثَّوَابِ فِي الْآجِلِ» پس اگر دست این کار را بکند، اگر بسته شود و گره بخورد و بزرگ داشته شود، اگر پرهیز کند و شرافت پیدا کند و گرمی داشته شود در دنیا، اگر انسان مراقب دستش باشد در دنیا، وَجَبَ لَهَا حُسْنُ الثَّوَابِ فِي الْآجِلِ بر او واجب است که در آخرت به او پاداش نیکو داده شود.

این یک توضیح کلی و اجمالی پیرامون این فقره از رساله است که مربوط به دست است. اینجا مطالبی است که در بیان تفصیلی عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»